



السيد علي اصغر العلوي¹

١. باحث في الدورات الطويلة لمجمع «محمديه» العالي لتعليم المجتهد المدير، باحث في

المستوى الرابع بحوزة قم العلمية، متخرج دكتوراه في تخصص القرآن والإدارة بجامعة المصطفى

modirekarbala313@chmail.ir

العالمية بقم

نوع المقال:

دراسة بحثية



مواعيد المادة:

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٣/٠٨/٠٧

تاريخ المراجعة: ٢٠٢٣/٠٨/٢٠

تاريخ القبول: ٢٠٢٣/٠٩/٠٨

تاريخ النشر: ٢٠٢٣/١٠/٠٦

المستخلص

الفقه بعنوان القانون الأساسي للعمل، سعادة الإنسان، أطر سير الشؤون التعبدية الفردية، في حوزة الدورة، علوم الدنيا، كيفية توجيهها، حياتي المصدرية. ومن الحاجة إلى العلم، فهذا أمر فقهي بما نحتاج إليه ونحتاج إليه ويجب علينا فعله. الفقه الاجتماعي مليء بالعيون، عندما ترى مفهوماً دينياً يعني التوحيد، لكن في هذا الوضع بالذات ترى قضايا اجتماعية ليست شيئاً يمكن العثور عليه في مكان حار. ثورة إسلامية نموها وثمرتها يقوم عليها الفقه والفقه. يتناول هذا البحث أسس هذا الفقه الاجتماعي باستخدام سلسلة الرواة الأكثر استخداماً، والكتب الوصفية والتحليلية لدى أكثر الناس تأثيراً في العالم. وهذا المقال مهم لفهم مفصل وعميق لمفهوم التوحيد ونقشه في الأدبيات الدينية. وهذا امتداد لهذا المفهوم باعتباره لقاء بين شخص وشخص آخر. ما رأيك في انقلاب إسلامي يحمل عنوان مثل بركات؟



الكلمة الرئيسية:

الفقه،

الفقه الاجتماعي،

المجتمع التوحيدي،

القرآن الكريم،

السيد علي الخامنئي،

قائد الثورة،

الثورة الإسلامية.



سید علی اصغر علوی^۱

۱. دانش پژوه دوره بلند مدت مجتمع عالی تربیت مجتهد مدیر محمديه، طلبه سطح ۴ حوزه

علمیه قم، دکتری تخصصی قرآن و مدیریت جامعه المصطفی العالمیه قم

modirekarbala313@chmail.ir

نوع مقاله:

پژوهشی



تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده

فقه به عنوان دستور العمل سعادت بشر، فراتر از انجام امور عبادی فردی، در حوزه اجتماع، معارف بسیاری دارد که توجه به آنها حیاتی و مورد نیاز است. این بخش از فقه را باید شناخت و با لوازم و بایسته هایش آشنا شد. فقه الاجتماع در عین آنکه ریشه در محوری ترین مفهوم دینی یعنی توحید دارد، در عین حال شاخه هایش تا جزئی ترین مباحث اجتماعی نیز کشیده میشود که باید درباره اش سخن گفت. انقلاب اسلامی یک نمونه و ثمره این فقاقت و دستگاه فقهی است. این تحقیق در صدد است بایسته های فقه الاجتماع را با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی در اندیشه رهبر معظم انقلاب بررسی نماید. از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله فهم دقیقتر و درک عمیقتری از مفهوم توحید و نقش آن در ادبیات دینی است؛ همچنین امتدادی که این مفهوم تا اجتماع پیدا می‌کند نیز قابل توجه است. دستاورد دیگر این تفکر همان جامعه توحیدی است که به انقلاب اسلامی به عنوان یکی از برکات این تفکر باید نگریست



کلیدواژه:

فقاقت،

فقه الاجتماع،

جامعه توحیدی،

قرآن،

سید علی خامنه‌ای،

رهبر انقلاب،

انقلاب اسلامی.

۱- مقدمه

۱-۱- تبیین مساله و بیان اهمیت و ضرورت

برای ورود بهتر در دانش فقه الاجتماع، شناخت لوازم و بایسته‌های آن بسیار ضروری است. اینکه پایه‌های این دانش بر چه اصولی حاکم است در رشد و بالندگی این دانش تاثیر بسزایی خواهد داشت. برای پاسخ به این پرسش، استفاده از اندیشه کسی که خود هم در میدان علم و نیز عمل آن پیشگام بوده است ما را به پاسخ دقیقتری خواهد رساند. از این رو اندیشه رهبر معظم انقلاب به عنوان متفکری که هم در میدان فقهات و هم در میدان اجتماع، علماً و عملاً از سابقون بوده اند، شایسته توجه است.

۱-۲- پیشینه

هرچند تاکنون بیشتر پژوهش‌ها ناظر به فقه فردی بوده است، اما تلاش‌های ارزشمندی نیز در حوزه فقه الاجتماع صورت گرفته است. مانند:

گستره و روش شناسی فقه الاجتماع، عبدالحسین خسروپناه، مجید رجبی، (فقه، سال بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۹، شماره ۱، پیاپی ۱۰۱).

الاهیات اجتماعی شیعه، محمود تقی زاده داوری، (الهیات اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱)

ماهیت فقه نظام ساز از منظر آیت الله احمد مبلغی، سید مهدی موسوی، (فقه نظام ساز، تابستان ۱۴۰۱، سال اول، شماره ۲)

بایسته‌های فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، ابراهیم موسی زاده، (مجد، ۱۳۸۸)

درباره «اندیشه‌های اجتماعی از نگاه مقام معظم رهبری» مقالات و کتب متعددی نگاشته شده که عبارتند از:

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، صهبا، ۱۳۹۲.

منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، تهران، نشر

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
 طرح کلی اندیشه مقاومت، مهدیان، علی، قم، سفیر صادق، ۱۳۹۹.

۳-۱- جنبه نوآوری تحقیق

فقه‌الاجتماع از عرصه‌های جدید حوزه فقه است که نیازمند تاملات بیش از پیش است. در این مجال سعی شده به موضوع بایسته‌های این حوزه بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب پرداخته شود. رهبر انقلاب را بیشتر به عنوان یک رهبر سیاسی می‌شناسند و کمتر از بعد مبانی فکری ایشان، تبیینی صورت گرفته است؛ حال آنکه رهبری سیاسی ایشان مرهون این تفکر فقهی و اجتماعی است که این مقاله به بخشی از این بعد مغفول می‌پردازد. در این بعد از اندیشه ایشان، الهیاتی که امتدادش اجتماعی است برجستگی خاصی دارد که آن هم از ابعاد قابل توجه این تحقیق است.

۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، روش توصیفی تحلیلی است. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (فیش برداری به صورت توصیفی) بهره برده است. همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به پشتوانه متون دینی و عنایت به بیانات رهبر معظم انقلاب، لوازم و بایسته‌های فقه‌الاجتماع را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۵-۱- بیان خلاصه‌ای از ساختار و چارچوب مقاله

برای شناخت بایسته‌های فقه‌الاجتماع از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، ابتدا باید جایگاه فقه‌الاجتماع در بین معارف دینی و معانی لغوی و اصطلاحی آن را بررسی نمود. سپس، فقه‌الاجتماع را با عنایت به مفهوم محوری توحید بررسی و سپس، بایسته‌های آن را در مجموعه بیانات ایشان استخراج نمود.

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- فقه الاجتماع

فقه الاجتماع به عنوان یک موضوع جدید در فقه شناخته می شود، هرچند معنای این سخن عدم توجه فقها به مسائل اجتماعی در طول تاریخ نبوده و نیست. برخی فقها با نسبت‌های مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. هرچند بطور کلی فقه اجتماعی تعاریف مختلفی دارد. (ر.ک: بهستانی، ۱۴۰۳) ممکن است گاهی فقه اجتماعی نوعی رویکرد در قبال بررسی مسائل اجتماعی باشد و گاهی صرفاً توجه فقیه بر روی پیامدهای اجتماعی و آثار آن را شامل شود. شاید روشی از فقه الاجتماع که بتوان ادعا کرد خیلی مورد توجه قرار نگرفته است، رویکرد نظام سازانه نسبت به فقه اجتماعی باشد. (موسوی، ۱۴۰۱) در اینجا مساله هستی شناسی اجتماعی از مسائلی است که به این موضوع جهت دهی می کند. (سیدی فرد، ۱۳۹۵)

۲-۲- جامعه و نظام اسلامی: جامعه توحیدی

نظام اسلامی آن نظامی است که مبنی بر هندسه الهی برای جامعه است و مبنی بر نقش خدا در جامعه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ۱۶۴) نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه اصلی توحید است. (همان، ۱۶۵) توحید مرکزی ترین معرفت دینی است که در کنار معنای لغویش که یکی کردن است، اگر به خوبی شناخته و فهم شود اثرات بزرگی در عالم می تواند ایجاد کند. اگر جامعه‌ای بر اساس معارف ناب توحیدی تعریف شود سرتاسر شئون زندگی انسان‌ها توحیدی خواهد شد و این نوید تحقق جامعه توحیدی است چرا که توحید از دیدگاه عملی، قواره و قالبی برای اجتماع و شیوه‌ای است برای زندگی است. به عبارتی «توحید اسلامی همان الفی است که بعدش ب می آید و پ می آید و چ می آید، تای می آید. این جور نیست که بگویی خدا یک است و دو نیست و تمام بشود قضیه. خدا یک است و دو نیست، معنایش این است که در تمام منطقه وجود خودت شخصا و جامعه ات عموماً، جز خدا کسی حق فرمانروایی ندارد. خدا یک است و دو نیست، معنایش این است که

تمام آنچه در اختیار داری از ثروت، تو و همه انسان‌های دیگر، برای خداست، شما عاریت داران و ودیعه دارانی بیش نیستید.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۰۹)

۲-۳- سید علی خامنه‌ای

آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای متولد ۱۳۱۸ ه.ش در مشهد مقدس هستند. ایشان پس از طی مدارج علمی حوزوی و نیل به مقام اجتهاد در سنین جوانی، کنش‌های سیاسی خود را به رهبری امام خمینی رحمته‌الله‌علیه آغاز کردند. یکی از مبارزات تأثیرگذار ایشان در دوران پیش از انقلاب (همانند سال‌های پس از انقلاب)، جهاد تبیینی در باب معارف ناب اسلام بود، که این مقاله در صدد طرح محوری‌ترین مفهوم از این معارف است. سرانجام، مجاهدت‌های ایشان و هم‌زمان شان ذیل نهضت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به ثمر نشست و جمهوری اسلامی پایه‌گذاری شد. ایشان همچنان پس از انقلاب به نظریه‌پردازی و مدیریت‌های کلان کشور در شرایط مختلف مشغول بودند تا سرانجام پس از رحلت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به رهبری امت اسلامی نایل آمدند.

۳- تجزیه و تحلیل مطالب

۳-۱- فهم مفهوم توحید به عنوان مرکزی‌ترین گزاره معرفت دین در فقه الاجتماع معارف دین الهی از چنان گستردگی و جامعیتی برخوردار است که تمام ابعاد مختلف انسان را در عرصه‌های فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد. اما به تصریح محققان در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای، مرکزی‌ترین و محوری‌ترین معرفت در این اندیشه راقی، خداشناسی و توحید است؛ «خداشناسی و توحید الهی، رکن و محور اصلی و اساسی منظومه فکری مقام معظم رهبری است که پس از تبیین منطق فهم اسلام، به عنوان سنگ بنای منظومه فکری بیان می‌گردد.» (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱، ۱۱۱) «حضرت آیت الله خامنه‌ای، توحید را مایه اصلی دین و سنگ زاویه‌ای می‌دانند که همه پایه‌های دین بر آن قرار گرفته است.» (همان، ۱، ۱۱۷)

مرکزیت توحید در بین معارف دین، به گونه‌ای است که تمام فروع دین را با معیار آن می‌توان معتبر دانست: «هر جایی شما یک حکمی و یک قانونی و یک دستوری را به نام دین مشاهده کردید که در آن توحید لنگ می‌زند، ضدّ توحید در آن وجود دارد و توحید در آن نیست، بدانید که این از اسلام نیست؛ چون توحید مثل روحی در کالبد تمام مقررات اسلامی هست. مثل هوای رقیق و لطیفی که در تمام اجزای این ساختمان و پیکره‌ای که نامش اسلام است، هست. مثل خون پاک و پاکیزه و صاف و تازه‌ای در سراسر این کالبد و پیکری که نامش اسلام و دین است، هست؛ در همه مویرگ‌ها حتی هست، یک دانه حکم را در اسلام شما نمی‌توانید پیدا کنید که رنگی و نشانی از توحید در آن نباشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۸۴) و همچنین با وجود آن، مقاصد شریعت نیز تحصیل می‌شود: «پیامبران با شعار توحید، هم تمامی مقصود خود را مطرح می‌ساخته‌اند و هم به دنبال مبارزه‌ای که با طرح این شعار در می‌گرفت، آن مقصود را در عالم واقعیت پیاده می‌کرده و یا آن را به تحقق نزدیک می‌نموده‌اند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۲)

۳-۱-۱. معناشناسی توحید

۳-۱-۱/۱. معنای لغوی

«توحید»، مصدر باب تفعیل و از ریشه «وح د» است. دو مورد از معانی باب تفعیل را می‌توان بر این کلمه تطبیق داد:

۱. نسبت دادن مبدأ اشتقاق فعل به مفعول: بر این اساس، «توحید» به معنای یکی دانستن و یکتا شمردن خداوند متعال می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۵، ۱۶۳)
۲. تعدیه - معنای غالبی باب تفعیل -: بر این اساس، «توحید» به معنای یکی کردن خدایان متعدد می‌شود که مقام معظم رهبری نیز در تعبیر خود، از همین معنا بهره گرفته‌اند: «من یک نکته‌ای را اینجا تذکر بدهم به دوستان و برادرانی که مختصری با زبان عربی آشنا هستند. کلمه توحید از باب تفعیل است. توحید را از هر طلبه‌ای شما بپرسید که یعنی چه، معنای لغوی‌اش چیست؛ خواهد گفت یکی کردن. توحید از وحدت است، از ماده وحدت، از

ریشه وحدت؛ یعنی یکی بودن. توحید صیغه باب تفعیلش، به قول ما طلبه ها، می شود یکی کردن. توحید یعنی یکی کردن، واحد کردن، واحد ساختن. یعنی چه؟ یعنی خدایان متعدد را به صورت خدای واحد در آوردن، جامعه غیرتوحیدی را توحیدی کردن، مغز مشرک و دل مشرک را مغز موحد و دل موحد قرار دادن. توحید، یکی کردن، همه اش تعهد است. انجام دادن است در آن، کار است در آن، اصلا کلمه توحید این اقتضاء و ایجاب را دارد. و این یک نکته ای است که توجه به این نکته موجب می شود که در باب توحید، یک روشن بینی مخصوصی در انسان به وجود بیاید». (خامنه ای، ۱۳۹۲، ۲۸۸)

۳-۱-۱-۲- معنای اصطلاحی

محققان، معنای اصطلاحی توحید در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای را بدین گونه تعبیر کرده اند: «توحید از دیدگاه مقام معظم رهبری، دارای دو جزء است. یکی الله است و دیگر لایله إلا الله. «یکی اثبات الله و دیگری نفی هر معبودی جز الله، اثبات ولایت الله و نفی ولایت غیر الله». «یکی اطاعت و عبودیت پروردگار عالم و دیگری سرپیچی از اطاعت انداد الله». از منظر ایشان، «روح توحید عبارت است از اینکه انسان غیر خدا را عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا جبهه بندگی به زمین نساید.» ایشان توحید را به معنای حاکمیت ارزش های الهی بر جامعه و نفی حکومت های طاغوتی، استبدادی و فاسد و طغیان گر بر ارزش های انسانی و اصیل می دانند. ایشان از منظری توحید را به معنای وحدت و یکپارچگی همه جهان و خویشاوندی تمام اجزاء و عناصر آن می دانند و معتقدند که «از آنجا که آفرینش دارای یک مبدأ است و خدایان و آفرینندگان مختلف دست اندر کار آفرینش و گردش آن نبوده اند، همه اجزاء آفرینش، اجزاء یک مجموعه و همه جهان یک واحد و دارای جهت گیری واحد است.» (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱، ۱۱۲)

۳-۱-۲- توحید در جهان بینی اسلام

توحیدنگری نقطه تلاقی معارف در جهان بینی اسلامی - که به معنای جهان

شناسی است و جایگاه آن در حیطه فکر و اندیشه است - است؛ بدین معنا که همه آن معارف به این محور باز می گردد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای توحیدنگری را این چنین تعریف نموده اند: «در جهان بینی اسلام، توحید یعنی جهان دارای یک آفریننده و سازنده، و به تعبیری، دارای یک روح پاک و لطیف است. جهان پدید آورنده‌ای دارد و همه اجزای این عالم، بندگان و بردگان و موجودات تحت اختیار آن خدا و آن پدید آورنده محسوب می شوند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۸۶) «از مجموع، بینش اسلام را در مورد خدا، خوب به دست می آورید و آن چیست؟ و آن این است که در همه منطقه وجود، یک قدرت به نام خداست، یک مرکز قدرت، یک کانون دانش و حیات و نیرو، به نام خدا. و در طرف مقابل، تمام پدیده‌ها، رو به آن قدرت عظیم و جلیل، با حال مسکنت، با حال عبودیت، با حال بندگی، همه و همه؛ فرقی هم بین پدیده‌های عالم، از جهت عبودیت در مقابل آن مرکز قدرت نیست. یک ذره کوچک تا یک کهکشان عظیم، یک انسان مؤمن یا یک انسان کافر، یک موجود بی ارزش یا یک انسان باارزش، همگان در مقابل آن موجود، دست بسته، تسلیم، عبد، بنده، برده اند؛ هر تعبیری که می خواهید بکنید.» (همان، ۱۹۱) «در جهان بینی (بینش فلسفی و زیربنائی) اسلام، همه پدیده‌های جهان، وابسته و آفریده و بنده‌ی یک قدرت برترند. این قدرت برتر، خدا(الله) است و به همه‌ی خصلت‌های اساسی نیک، همچون: علم، قدرت، اراده، حیات، ... آراسته است. از اعماق ذره ناچیز تا اوج افلاک و کهکشان‌ها و جهان‌های ناشناخته ساخته و پرداخته و تحت اختیار اوست. موجودات جهان -انسان و دیگرها- بندگان مقهور اویند و در عبودیت او همگان شریک و همطرازند. و هیچکس و هیچ چیز زیر عنوان: فرزندی، همسری، همشانی ... از دایره‌ی: عبودیت خدا بیرون نیست. بندگان، همه چیز خود را -فکر و هوش و قدرت تصمیم و امکانات مادی و - از او دارند و سررشته دار پیدایش و ادامه حیات آن‌هاست: این بینش، زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی ساز (ایدئولوژی) در اسلام است.» (همان، ۱۹۷) «... همچنان که از دیدگاه نظری، [توحید] بینشی

است که پایه و زیربنای فلسفی آن نظام -نظام و سیستمی که اسلام برای زندگی انسان متناسب دانسته و رشد و بالندگی این موجود را در سایه آن، ممکن تلقی کرده است- محسوب گشته و آن را توجیه و تعلیل می کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۴۸)

۳-۱-۳- توحید در ایدئولوژی اسلام

با توجه به توحیدنگری و شناخت توحیدی از عالم هستی، سبک زندگی خاصی در ابعاد مختلف برای انسان منکشف می گردد. تبیین این سبک زندگی و هم چنین ضرورت وجود این نوع نگاه تحول و سیورورت از نگرش به رفتار از زبان مقام معظم رهبری عبارت است از: «توحید قرآن، تنها نگرشی بی تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد، و بینشی فعال و سازنده است، طرز فکری است که در بنای جامعه و اداره‌ی آن، و ترسیم خط آن (استراتژی)، و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه‌ی آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین کننده است و اصطلاحاً: توحید از ارکان «ایدئولوژی» اسلام نیز هست. وابستگی جهان و انسان به قدرت برتر (یعنی خدا) مستلزم آن است که جهان به قصدی و برای هدفی آفریده شده باشد، و ضمناً متضمن این مسئولیت که: انسان، با داشتن خرد و نیروی اراده، مکلف است در راهی که به سمت هدف و دارای جهت درست است گام بردارد و ناگزیر، این هدف و جهت را بشناسد آفریدگاری و سیطره‌ی تکوینی خدا، مستلزم آن است که زمام و قانونگذاری و تشریح نیز در قبضه‌ی اقتدار و اختیار او باشد، و همگان (همه‌ی موجودات دارای شعور که می‌توان برای آنان قانون و شرع وضع کرد) ملزم به تبعیت از قانون خدا باشند. (الوهیت انحصاری). دانش بی پایان خدا، مستلزم آن است که صلاحیت تنظیم مقررات بشری (که ناگزیر تابع نیازها و مصالح انسان‌هاست) در انحصار او باشد. عبودیت برابر همه‌ی موجودات در برابر خدا، مستلزم آن است که هیچ یک از بندگان خدا حق تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر نداشته باشد (نفی طاغوت) و زمامدار و مدیر و مدبر امور زندگی انسان‌ها فقط کسی باشد که خدا خود به حکومت برگزیده است (یا به شخص مانند امامان معصوم و یا به علائم و ملاک‌ها، مانند حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم)؛ (ربوبیت انحصاری).» (خامنه‌ای،

۱۳۹۲، ۲۱۹) و همچنین: «... توحید از دیدگاه عملی، قواره و قالبی است برای اجتماع و شیوه‌ای است برای زندگی. و مجموعاً باید آن را عنوانی گویا دانست برای نظام و سیستمی که اسلام برای زندگی انسان متناسب دانسته و رشد و بالندگی این موجود را در سایه آن، ممکن تلقی کرده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۴۸)

۳-۱-۴- گونه‌های توحید: از توحید منفعل تا فعال

بر اساس تعریفی که از توحید گذشت و با عنایت به میزان توجه به آن دو نوع توحید را می‌توان تصور نمود:

۳-۱-۴-۱. توحید منفعل

در یک نگاه توحید صرفاً یک باور ذهنی صرف است؛ باوری که در عالم بیرون اثری نخواهد گذاشت:

«ما به خیالمان می‌آید که توحید یک چیزی ست که فقط در مغزمان بایستی روشن کنیم، مسلّم کنیم؛ به زندگی که رسیدیم، این توحید در زندگی دیگر هیچ اثری ندارد؛ اگر هم اثر داشته باشد، در زندگی شخصی ست، در زندگی اجتماعی نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۰۸)

«بینید چقدر درباره توحید بحث کردند متکلمین و چقدر این بحث‌ها در تشکیل و ایجاد یک جامعه توحیدی بی‌اثر بود. اگر چنانچه درباره یک مسئله‌ای که مربوط به زندگی ست، صدسال بحث بشود، مگر ممکن است بعد از صدسال در زندگی یک اثری نبخشد؟ صدها سال به صورت خشک، به صورت فریبنده از لحاظ ظاهر و بی‌مغز از نظر باطن، به صورت مجرد، فارغ، فارغ از ارتباطات با دنیای واقعیت و خارج، بحث کردند، اما الآن که ما برای بنای یک زندگی نو می‌خواهیم از توحید مدد بگیریم، وقتی نگاه می‌کنیم به آن بحث‌ها، می‌بینیم هیچ ارتباطی ندارد؛ به قول خودمان کالحجر فی جنب الإنسان. آن همه بحث‌ها، آن دور و تسلسل و آن حرف‌ها و خب؛ حالا از این توحید می‌خواهیم ما برای دنیای خارج استفاده کنیم، چه داریم؟ در حالی که اگر به قرآن برمی‌گشتیم، اگر توحید را از قرآن می‌خواستیم،

قرآن ابعاد و رویه ها و اندام‌های مختلف این پیکر و این هیكل را، این بنای توحید را، در ضمن صدها آیه، با بهترین بیان، با رساترین شیوه ها بیان کرده. آن وقت معلوم می شود که زندگی توحیدی و انسان موحد کیست.» (همان، ۲۲۸)

۳-۱-۴-۲. توحید فعال

در مقابل اگر به حقیقت راستین توحید با نگاهی فعال توجه شود آن را یک دستگاه مرکزی برای اداره عالم خواهد دید. در این نگاه توحید صرفاً یک گزاره ذهنی نخواهد بود بلکه موتور محرکه اجتماع خواهد بود:

«آن توحیدی که اسلام به آن دعوت می کند، توحیدی ست بالاتر از حد یک پاسخ به یک سؤال، به یک استفهام. پس چیست؟ توحید اسلامی الهامی ست در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، در زمینه سیر جامعه، در زمینه هدف‌های جامعه، در زمینه تکالیف مردم، در زمینه مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در مقابل خدا، در مقابل یکدیگر، در مقابل جامعه و در مقابل پدیده‌های دیگر عالم دارا هستند، توحید این است. توحید اسلامی همان الفی ست که بعدش ب می آید و پ می آید و چ می آید، تای می آید. این جور نیست که بگویی خدا یک است و دو نیست و تمام بشود قضیه. خدا یک است و دو نیست، معنایش این است که در تمام منطقه وجود خودت شخصا و جامعه ات عموماً، جز خدا کسی حق فرمانروایی ندارد. خدا یک است و دو نیست، معنایش این است که تمام آنچه در اختیار داری از ثروت، تو و همه انسان‌های دیگر، برای خداست، شما عاریت داران و ودیعه دارانی بیش نیستید.» (همان، ۲۰۹)

«عقیده به توحید، یک ایمان است. ایمانی ست آگاهانه برای یک موحد آگاه، ایمانی ست عمل‌زا و تعهد آفرین. تعهدی که توحید بر روی دوش موحد می گذارد، بزرگترین تعهدها، سنگین ترین تعهدها، مؤثرترین تعهدها در میان عقاید اسلامی و دینی محسوب می شود. تعهد توحید از طرف یک موحد، در حقیقت خلاصه می شود در تعهد سازندگی یک دنیای توحیدی؛ تعهد توحید از نظر موحد و برای موحد، عبارت است از تعهد زدودن تمام آثار شرک؛ اینها تعهدات توحید است.» (همان، ۲۸۸)

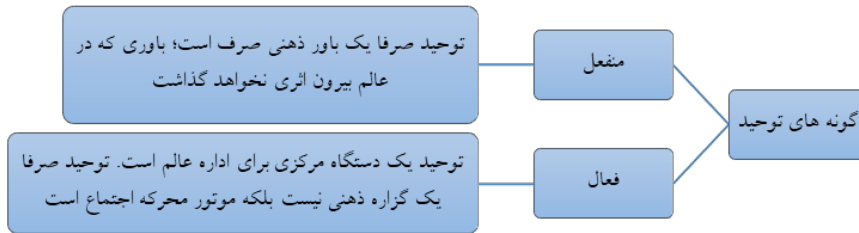
«وقتی مشاهده می‌کنیم که طبقات قدرتمند جامعه، نخستین کسانی بوده‌اند که کمر به ستیزه با ادیان بسته و از بذل هیچ کوششی در این راه دریغ نکرده‌اند، به روشنی در می‌یابیم که دین و نهضت‌های دینی در طبیعت خود، به آهنگ مخالفت با این طبقات است: با زورمندی و زراندوزی شان و اصولاً با طبقه بندی‌ای که آنان را از دیگران بدین صورت متمایز و جدا می‌سازد. برای آنکه بتوانیم توحید را از این دیدگاه -از دیدگاه تعرضش بر سلطه‌های اجتماعی- مورد تعمق قرار دهیم، لازم است قبلاً بدانیم که توحید برخلاف برداشت عامیانه رایج که آن را صرفاً یک نظریه فلسفی و ذهنی تلقی می‌کند، یک نظریه زیربنایی در مورد انسان و جهان و نیز یک دکترین اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۴)

«اسلام پیامبر، توحید را مانند راهی جلوی پای مردم می‌گذاشت. و اسلام دوره‌های بعد، آن را چون نظریه‌ای در محافل بحث و مجادله مطرح می‌ساخت. آنجا سخن از بینش تازه‌ای درباره جهان و تئوری تازه‌ای برای حرکت و تلاش زندگی بود؛ و این جا بحث از ریزه کاری‌های کلامی باب اوقات تفنن و فراغت. آنجا توحید، استخوان بندی نظام موجود و محور همه روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رفت؛ اینجا توحید، تابلونقاشی زیبا و هنرمندانه‌ای که همچون پیرایه‌ای در تالاری آویخته باشند، تا همه چیز جمع باشد! از زائده تشریفاتی، چه نقش فعال و سازنده‌ای می‌توان انتظار داشت؟» (همان، ۴۷)

«خب نکته بسیار مهم: یک مسائلی است که برای همه، در زمینه تفکرات اسلامی لازم است، اینها را باید همه بدانند، باید بفهمند. یکی‌اش این است؛ من می‌گویم آقایان، توحید را که مطرح می‌کنید، به صورت یک پاسخ خشک ساده به یک سؤال علمی و مغزی مطرح نکنید؛ بلکه به صورت یک مسئله‌ای که دانستنش و ندانستنش حیاتی است، تعیین کننده است، آن جور مطرح کنید.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۰۶)

«تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، شامل مهمترین، کلی ترین، بزرگترین، اولی ترین و اساسی ترین مسائل یک جامعه است، مثل چه؟ مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین الملل، مثل روابط افراد با یکدیگر، که اینها مهمترین

حقوق اساسی ست برای اداره و زندگی یک جامعه.» (همان، ۲۲۴) (نیز ر.ک: مهدیان، ۱۳۹۹، آثار رویکرد توحیدی، ۴۱)



گونه شناسی توحید در یک نگاه

۳-۱-۵- جایگاه ویژه قرآن در این اندیشه توحیدی

۳-۱-۵-۱. قرآن در اندیشه رهبری

«قرآن، نظام نامه زندگی اجتماعی» است، به گونه‌ای که ارزش‌های حاکم بر جامعه اسلامی، ارزش‌های آن است و حکومت و قدرت سیاسی و دولت اسلامی بر طبق معیارهای آن تشکیل می‌شود. به این معنا که قرآن، محور اجرای احکام عمومی جامعه است و لازم است که هر آنچه مربوط به شئون اداره جامعه است، رسماً -نه اسماً- از قرآن گرفته شود و هر چه مخالف با قرآن است طرد شود.» (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱، ۹۷) این مطلبی است که در بیانات ایشان نمود ویژه‌ای دارد:

«سخن دیگر آنکه قرآن -سند قاطع و تردیدناپذیر اسلام- در بیشترین موارد، سهمی در روشنگری و راهگشایی نیافته و به جای آن، دقت‌ها و تعمقات شبه عقلی یا روایات و منقولات ظنی -و گاه با اعتباری بیشتر- میدان دار و مسئول شناخته شده و بالنتیجه، تفکرات اعتقادی جدا از قرآن و بی‌اعتناء به آن، نشو و نما یافته و شکل گرفته است. شاید همین بی‌ارتباطی و بی‌اعتنایی یا احساس بی‌نیازی یا نومیدی از امکان استفاده‌ای صحیح -که هر یک به نوبه خود، معلول عوامل خاص است- موجب آن گشته که تدبر در آیات قرآن، جای خود را به قرائت و تلاوتی سطحی و

سرسری و فاقد نتیجه و ثواب دنیوی و یکسره برای پاداش و جزای اخروی داده و کتاب کریم الهی دستمایه عوامی ها و عوام فریبی ها بشود. دیگر آنکه در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد، نه سلیقه ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهن و فکر این و آن... تا حاصل کاوش و تحقیق، به راستی «اسلامی» باشد و نه هر چیز جز آن. برای بر آمدن این منظور، قرآن کامل ترین و موثق ترین سندی است که می توان به آن متکی شد که: «باطل را از هیچ سوی بدان راه نیست.» و «در آن، مایه روشنگری هر چیز هست» و البته در پرتو تدبری ژرف پیما که خود، ما را به آن فرمان داده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۳۳)

«تمسک به قرآن، فقط تلاوت قرآن نیست؛ قرآن باید در عمل و زندگی و رفتار و منش ما و حرکت عمومی امت اسلام تجسم پیدا کند. انس با قرآن، تلاوت قرآن و حفظ قرآن لازم است؛ اما هدف نهایی، تمسک به قرآن است؛ آن هم در متن زندگی.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ۲۵)

«قرآن، نخستین منبع معرفتی اهداف اسلامی و شناخت نقشه الهی است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۶/۰۱)

«امت اسلامی باید قرآن را معیار و محور معرفت و عمل خود ببیند؛ زیرا قرآن کتاب معرفت و شناخت و کتاب عمل است، نه کتابی که برای صرف تلاوت باشد و باید آن را فهمید و پیرامون آیاتش اندیشه و تدبر کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۹/۰۸/۰۹)

از جمله توصیه‌های ایشان انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه گذاری این علوم بر مبانی قرآنی است. (رضایی اصفهانی، ۱۴۳۹، ۲۷۲) به تعبیر ایشان «ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

۳-۱-۵-۲. گرایش اجتماعی در تفسیر ایشان

گرایش اجتماعی تفسیر، گاهی با جهت‌گیری‌های عصری، همچون جهادی- تربیتی و ارشادی- تقریبی همراه شده و حرکت‌های انقلابی و اصلاحات اجتماعی را

پیگیری کرده است. نمونه عالی این مطلب در تفسیرهای امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ از آیات قرآن یافت می‌شود، که در سخنرانی‌ها و نوشته‌های ایشان تبلور یافت و جامعه ایران بلکه جهان اسلام را به خروش آورد و بزرگترین انقلاب را در عصر حاضر رقم زد. این گرایش تفسیری - همراه با جهت‌گیریهای عصری - در عصر حاضر از پر رونق‌ترین گرایش‌های تفسیری است که هر سال، تفسیر جدیدی با این شیوه پا به عرصه وجود می‌گذارد. (رضایی اصفهانی، ۱۴۲۹ ق، ۳۴۸) اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب را از این منظر باید دید. پرداختن به جنبه‌های اجتماعی اسلام، از تفاوت‌های سخنرانی‌های آیت الله خامنه‌ای با بسیاری از سخنران‌ها است. (انصاری زاده، ۱۳۹۹، ۱۹۸) مؤلفه‌های گرایش ایشان را که عمدتاً در مباحث قرآنی ایشان برجسته است می‌توان در موارد زیر یافت: «مفسرانی که به گرایش اجتماعی تفسیری روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجه بیشتری کرده‌اند:

۱. به آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کند، بیشتر پرداخته‌اند.
۲. به مشکلات مسلمانان در عصر خویش توجه کرده و آیات قرآن را بر زندگی عصر خود تطبیق کرده و درمان مشکلات اجتماعی را در قرآن جستجو کرده‌اند.
۳. به گرایش‌های فلسفی، مذهبی و سبک‌های ادبی و فقهی کمتر توجه کرده‌اند و تلاش کرده‌اند که عقاید را از قرآن بگیرند، نه اینکه قرآن را تابع عقاید سازند.
۴. به جهت‌گیری‌های عصری در باب جهاد با دشمنان اسلام - به‌ویژه اسرائیل - و استعمارگران غربی و حرکت تقریبی (وحدت بین مسلمانان) توجه کرده‌اند.
۵. به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن توجه خاص داشته‌اند.
۶. به عقل و علوم تجربی قطعی در تفسیر قرآن اهمیت داده‌اند و از روش تفسیر عقلی و علمی استفاده کرده‌اند.
۷. از روایات اسرائیلیات و روایات جعلی خرافی و ضعیف دوری گزیده‌اند.
۸. معمولاً از بیانی شیوا و ساده استفاده کرده‌اند تا تفسیر برای عموم مردم (سطح متوسط جامعه) قابل استفاده باشد.
۹. به شبهات و اشکالات مخالفان نسبت به قرآن و اسلام توجه کرده و در پاسخگویی به آن‌ها در تفسیر برآمده‌اند.

۱۰. معمولاً هر کجا که ظواهر آیات و روایات با حقایق ثابت شرعی یا عقلی یا علمی منافات دارد، آن‌ها را تأویل کرده یا مجاز دانسته‌اند.
 ۱۱. مفسر در گرایش اجتماعی، روحیه‌ای اجتماع‌گرایانه دارد و آیات قرآن و احکام اسلامی را از زاویه فردی نمی‌بیند.
 ۱۲. مفسر گرایش اجتماعی، تقلیدگونه با تفسیر برخورد نمی‌کند و می‌کوشد با اسلوبی زیبا، سنن اجتماعی آیات قرآن را بر نیازهای عصر تطبیق کند و با بیانی در خور فهم همگان ارائه نماید.» (رضایی اصفهانی، ۱۴۲۹، ۳۴۹)
- اما «در یک نگاه کلان، مهمترین عناصر و مؤلفه‌های گرایش ایشان چنین است:
۱. برجسته نمودن مباحث اجتماعی
 ۲. تحلیل بیماری‌های اجتماعی و راه حل قرآنی
 ۳. ایده تشکیل حکومت اسلامی
 ۴. پاسخگویی به شبهات
 ۵. بیان سنت‌های الهی
 ۶. توجه به تفسیر علمی قرآن
 ۷. مباحث تقریب بین مذاهب اسلامی
 ۸. بی‌توجهی به مباحث کم‌فایده
 ۹. هدفمندی و هدایتگری قرآن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ۵-۱۳)

۳-۱-۵-۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نمونه برجسته‌ای از این تفکر

کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن را باید نمونه‌ای عالی برای این بحث مورد مطالعه قرار داد. کتابی که ایده اصلیش جامعه غیرتوحیدی را توحیدی کردن است. کتابی که سرتاسر آن همه‌اش دعوت به چنین توحید تعهدآفرینی است:

«توحید قرآن، تنها نگرشی بی تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده است. طرز فکری است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن (استراتژی) و تعیین هدف آن و عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین کننده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۱۹)

۳-۲- بایسته های فقه الاجتماع

۳-۲-۳- ضرورت امتداد توحید تا اجتماع

«معرفت دینی، مبنای عمل دینی است. به تعبیر دیگر، مبنای اطاعت و فرمان برداری از فرامین الهی است، بنابراین ضرورت دارد که معرفت دینی در خارج، ما به ازاء داشته باشد، اما «اگر معرفت به عمل منجر نشود، به این معنا است که ادبیات دینی، بدون ما به ازاء خارجی و عملی به وجود بیاید که به معنای غلیظ شدن ادبیات دینی است که مانعی جدی برای معرفت درست و حقیقی است و انسان و جامعه را به ریاکاری می کشاند؛ زیرا بنای آن بر اهمیت دادن به فرم است، نه محتوا».

(خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱، ۱۰۷) در این بیان، توحید ذهنی نه تنها ما را به معرفت حقیقی نسبت به توحید نمی رساند بلکه در حیطه عمل نیز آسیب زاست.

از این رو این امتداد توحید تا اجتماع را در اندیشه رهبری به طور ملموس می توان مشاهده نمود:

«... توحید، تنها نظریه ای فلسفی و ذهنی و غیرعملی نیست که به هیچ روی، کار به سیاه و سفید زندگی نداشته باشد و دست به ترکیب دسته های بشری نزند و در تعیین جهت گیری های انسان و تلاش و عمل بایسته او دخالت نکند... و فقط به همین اکتفا نماید که باوری را از مردم بازگیرد و باوری دیگر به جای آن بنشانند...» (خامنه ای، ۱۳۹۷، ۴۳)

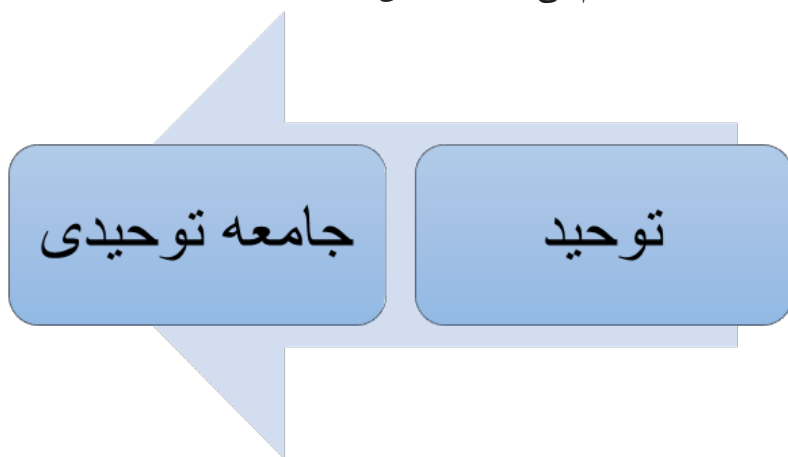
«... نخست آنکه معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض خارج گشته و -همچون همه مکاتب اجتماعی- ناظر به تکالیف عملی و به ویژه زندگی اجتماعی باشد و هر یک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف ارائه می دهد، مورد بررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد.» (خامنه ای، ۱۳۹۲، ۳۴)

«پیامبران با شعار توحید، هم تمامی مقصود خود را مطرح می ساخته اند و هم به دنبال مبارزه ای که با طرح این شعار در می گرفت، آن مقصود را در عالم واقعیت پیاده می کرده و یا آن را به تحقق نزدیک می نموده اند.» (خامنه ای، ۱۳۹۷، ۲۲)

«برای آنکه بتوانیم توحید را از این دیدگاه -از دیدگاه تعرضش بر سلطه‌های اجتماعی- مورد تعمق قرار دهیم، لازم است قبلاً بدانیم که توحید برخلاف برداشت رایج که آن را صرفاً یک نظریه فلسفی و ذهنی تلقی می‌کند، یک نظریه زیربنایی در مورد انسان و جهان و نیز یک دکتربین اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است.» (همان، ۲۴)

۳-۲-۴- جامعه توحیدی، میوه ریشه توحید

در اندیشه مقام معظم رهبری، جامعه توحیدی و متناسب سازی شکل و قالب آن با مفاد معرفت توحید، اولین و مهم‌ترین اثر توحید است. «... بزرگترین رسالت توحید، «بنای جامعه توحیدی» است؛ یعنی جامعه‌ئی بدون طبقه، تحت فرمان الله، دارای مقررات الهی و ...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۳۰۳) «... توحید وقتی در جامعه‌ای وارد شد، اول کاری که می‌کند، بنای آن جامعه را با شکلی که متناسب با این عقیده است، انجام می‌دهد.» (همان، ۲۶۶)



حرکت از امتداد توحید تا جامعه توحیدی، نتیجه تفکر توحیدی فعال در فقه الاجتماع

۳-۲-۵- همراهی دیانت و سیاست

در اندیشه آیت الله خامنه‌ای اسلام، مکتبی اجتماعی است و پیش از آن که به فردیت فرد بپردازد، نظر به زندگی جمعی انسان‌ها دارد. (بهبودی، ۱۳۹۲، ۵۱۳) این سخن بلند در اولین جمله مقدمه کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»

ایشان مندرج است:

«طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به به زندگی جمعی انسان ها، یکی از فوری ترین ضرورت های تفکر مذهبی است.» (خامنه ای، ۱۳۹۲، ۳۳)

۳-۲-۶- توجه به حکومت اسلامی رهاورد فقه الاجتماع

الهیات اجتماعی اگر به خوبی تبیین شود و هنجارها و ارزش های جامعه را تغییر بنیادین دهد، منجر به حکومت اسلامی می شود. «از منظر حضرت آیت الله خامنه ای یکی از مراتب توحید، توحید در حاکمیت و نفی هر سلطه غیر خدایی است. ایشان معتقدند عنصر فاخر و ارجمند انسان بسیار ارزنده تر از آن است که اسیر و مقهور و ذلیل کسی غیر از خدا باشد. از منظر مقام معظم رهبری «حکومت و ولایت، متعلق به خداوند متعال است و از خدای متعال به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از او به ولی مؤمنین می رسد. لذا انحراف از خط ولایت ائمه علیهم السلام، انحراف از خط توحید است.» (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۱، ۱۲۴) «ایشان، توحید را مبنای نظام اسلامی و به عنوان ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی معرفی می کنند.» (همان، ۱۱۸)

«اگر جامعه ای بر اساس اندیشه توحیدی و الهیات اجتماعی پیش برود باید در مقیاس جامعه تغییر ایجاد کند و به تعبیری در سراسر عالم پیاده شود: «اللله لا اله الا هو»، این شعار اسلام است، شعار همه ادیان الهی است؛ در سراسر نوار تاریخ بشریت، از آغاز تا انجام. و همه چیز ادیان برای این است که این شعار - که فقط یک شعار خشک و خالی هم نیست، سراپا نماینده و نمودار مکتب است و فکر و طرز فکر - تمام تلاش مکاتب برای این است که این شعار، بر روی زمین و در سراسر عالم پیاده بشود.» (خامنه ای، ۱۳۹۴، ۱۷)



پیش نیازها و نتایج فقه الاجتماع در اندیشه رهبر معظم انقلاب

۳-۳- پیشنهادات

اندیشه فقه الاجتماع از آن دسته اندیشه هایی است که باید در صیوروت زمان تکمیل شود و بخشی از آن نیز در جامعه محقق شود؛ به عبارت دیگر، این اندیشه نیازمند تکمیل و تقویت در دو عرصه علمی و عملی هست. مانند دعوت به تکمیل این اندیشه در راستای شناخت بحث مالی توحیدی یا مثلاً در ارتباط با مبحث معاد. به طور مثال، می توان این اندیشه را در راستای شناخت اقتصاد توحیدی و دیگر مباحث مهم فردی و اجتماعی به کار گرفت. هم چنان که در کتاب طرح کلی معاد در قرآن (ر.ک: جعفری هرستانی و دیگران، ۱۴۰۰) این کار صورت گرفته و با ترکیب مزجی بیانات آیت الله خامنه ای، ادامه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن بازسازی شده است.

آیت الله خامنه ای در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی مواردی را بیان می کنند: «تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می دهد، شامل مهمترین، کلی ترین، بزرگ ترین، اولی ترین و اساسی ترین مسائل یک جامعه است، مثل چه؟ مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین الملل، مثل روابط افراد با یکدیگر، که اینها مهمترین حقوق اساسی ست برای اداره و زندگی یک جامعه.» (خامنه ای، ۱۳۹۲، ۲۲۴) که می توان هر یک از این مثال ها را سرفصلی برای اندیشه و تفکر قرار داد و از اجمال توحید، به تفصیل آن سیر نمود.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

در بین معارف دینی (جهان بینی و ایدئولوژی)، توحیدرامی توان مرکزی ترین و محوری ترین معرفت دانست. توحید به معنای نفی خدایان جز الله و اثبات ولایت الله است. این

نفی و اثبات - که به یقین، فعالانه است نه منفعلانه - علاوه بر عرصه ذهن و نظر، در مقام عمل فردی و اجتماعی انسان نیز نقش برجسته‌ای دارد که از آن به عنوان محوری ترین معرفت در فقه الاجتماع نام برد. در لوازم فقه الاجتماع باید به فهم توحید به عنوان مرکزی ترین گزاره معرفت دین، معنانشناسی توحید که شامل توحید در جهان بینی اسلام و توحید در ایدئولوژی اسلام است پرداخت. توحید دارای انواع مختلفی است که به توحید منفعل و فعال و لزوم سیر از منفعل به فعال اشاره شد. برای فهم بهتر فقه الاجتماع باید به جایگاه ویژه قرآن در این فقهت توجه داشت. قرآن را اندیشه رهبر انقلاب جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد که در گرایش اجتماعی ایشان در تفسیر مشهود است. کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نمونه برجسته‌ای از این اندیشه است. بر این اساس و اندیشه توحیدی، فقه الاجتماع بایسته‌های زیر را دارا خواهد بود:

۱. ضرورت امتداد توحید تا اجتماع
۲. جامعه توحیدی، میوه ریشه توحید
۳. همراهی دیانت و سیاست
۴. توجه به حکومت اسلامی ره‌آورد فقه الاجتماع

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. انصاری زاده، مرتضی (۱۳۹۹)، مسجد رهبر (تاریخ شفاهی مسجد کرامت)، تهران، راه یار.
۲. بهبودی، هدایت الله (۱۳۹۲)، شرح اسم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳. بهستانی، مجید (۱۴۰۳)، فقه و علوم اجتماعی، تهران، سدید.
۴. جعفری هرستانی و دیگران (۱۴۰۰)، معاد طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، حرفی برای تمام فصول، تهران، مرکز نشر انقلاب اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، ولایت و حکومت، تهران، صهبا.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، صهبا.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، ترجمه تفصیلی آیه الکرسی، تهران، صهبا.
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، بیان قرآن: (تفسیر سوره برات)، تهران، انقلاب اسلامی.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، روح توحید نفی عبودیت غیر خدا، تهران.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۹)، رجبی، مجید، گستره و روش شناسی فقه الاجتماع، فقه، سال بیست و هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۰۱.
۱۲. خسروپناه و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، به تحقیق داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دار الشامیة.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۴۳۹ ق)، دیدگاه متفکران معاصر قرآنی (جریانها و نظریه‌ها)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۴۲۹ ق)، منطق تفسیر قرآن (۲)، قم، جامعة المصطفی العالمیة.
۱۶. سیدی فرد، سیدعلی (۱۳۹۵)، هستی شناسی اجتماعی، تهران، سدید.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. موسوی، سید مهدی (۱۴۰۱)، ماهیت فقه نظام ساز از منظر آیت الله احمد مبلغی، فقه نظام ساز، سال اول، شماره ۲.
۱۹. مهدیان، علی (۱۳۹۹)، طرح کلی اندیشه مقاومت، قم، سفیر صادق.
۲۰. پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، khamenei.ir.

۲۱. علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۸)، فتأمل: ملاحظاتی برای خوانش فقه و اصول، تهران، سدید.
۲۲. علوی، سید علی اصغر (۱۴۰۰)، زندگی اصولی، تهران، سدید.